

علل انشاگریزی و تأثیر فضاسازی بر خلاقیت



نسرین مظفری - بوشهر

اشاره:

به منظور ارج نهادن به فعالیت های پژوهشی فرهنگیان، فراهم ساختن زمینه های گسترش تفکر پژوهشی، تقویت خودباوری فکری و علمی در معلمان و کمک به شکوفایی استعداد های بالقوه ی آنان، پژوهشکده ی تعلیم و تربیت طی سه سال گذشته سه دوره برنامه ی معلم پژوهنده را در سطح کشور اجرا کرده است.

در سال گذشته حدود ۲۷۵۲ نفر از همکاران فرهنگی در این برنامه شرکت داشتند که پیش بینی می شود در چهارمین برنامه - سال جاری - شاهد افزایش چشمگیر معلمان و ارتقای سطح فعالیت های پژوهشی آنان باشیم. جهت تشویق همکاران علاوه بر آن که برگزیدگان این برنامه از طرف وزیر محترم آموزش و پرورش مورد تقدیر قرار گرفته اند همانند معلمان نمونه ی سراسر کشور به سفرهای زیارتی مکه ی مکرمه و سوریه اعزام شده اند.

در مقالات برگزیده به مسایل و مشکلات اساسی آموزش و پرورش توجه شده و راه کارهای مناسبی که معلمان پژوهشگر در ضمن عمل به آن رسیده اند، ارائه شده است. پژوهش خانم نسرین مظفری از بوشهر یکی از مقالات برگزیده ی کشوری می باشد و در آن به بررسی علل انشاگریزی و تأثیر «فضاسازی» بر ایجاد خلاقیت در «انشانویسی» اشاره شده است. خانم نسرین مظفری مدرس مرکز تربیت معلم بنت الهدی شهرستان بوشهر است.

مقدمه:

به جرئت می توان گفت که درس انشا از مظلوم ترین دروس است. هنوز که هنوز است این درس نه تنها جایگاه اصلی خویش را بازیافته است، حتی رشد اندکی نیز که گویای «خردک شری» در روشن شدن و شفاف شدن پایگاه علمی و ادبی آن باشد تاکنون صورت نگرفته است. بدون شک پیکان این بی توجهی متوجه مسئولان و

برنامه ریزان آموزشی است. زیرا برای معلمان نیز در دوران آموزشی خود، جایگاه روشن این درس پیوسته توجیه نشده باقی مانده است. اکنون ساعت های انشا به ساعات جبرانی دروس عقب افتاده مبدل گشته است یا این که سایر کارهای فوق برنامه ی مدارس مقارن با این ساعت ها در نظر گرفته می شود. از همین رو دانش آموزان نیز از این درس گریزانند و هیچ گاه به انشا به عنوان یک درس جدی نمی نگرند. در یک نگاه دقیق تر درمی یابیم که اشکالی از جانب آنان نیست، زیرا که هیچ گاه در دوران تحصیل خود، یاد نگرفته اند یا به عبارتی دقیق تر آموزش داده نشده اند که انشا نیز مانند سایر دروس در رشد و تعالی فکری آنان می تواند تأثیر بسزایی داشته باشد. اگر اندکی پیچش موی کلام را باز کنیم

درمی یابیم که انشا تنها درسی است که دانش آموز می تواند در آن خویش را باز یابد و با تکیه بر قوه ی ابتکار و خلاقیت خود، هویت خویش را دریابد و از «بی تکیه گاهی فرهنگی» که پیوسته نسل جوان را تهدید می کند رهایی یابد. زیرا انشا برعکس سایر دروس که دانش آموز بایستی در یک فضای محدود و «سیستم بسته» و از پیش تعیین شده ی فکری حرکت کند، به مثابه ی یک «سیستم باز» عمل کرده و ذهن دانش آموز را در یک فضای آزاد که می تواند به کشف و شهود ناشناخته های خویش همت گمارد، به جریان می اندازد.

این جانب بارها متوجه شده بودم که «فضاسازی» و ایجاد فضای مناسب هنگام نوشتن انشا، که باروح دانش آموز و موضوع دلخواه او هماهنگ باشد، در ایجاد خلاقیت او در مقایسه با حالاتی که این هارمونی و هماهنگی وجود ندارد، تأثیر مثبت بسیار بیشتری دارد. از این رو بر آن شدم تا تجربه های ناچیز خود را در مورد درس انشا

به مرحله ی عمل و آزمون درآورم و باسنجش دقیق علمی و آزمون های نوین آماری، یافته های خود را تأیید یارم کنم.

روش کار:

این مطالعه به صورت یک «کارآزمایی آموزشی» که با مداخله همراه بوده (Interventional Educational trial study) صورت گرفته است. «کارآزمایی آموزشی» اصولاً پژوهشی مداخله ای برای ارزیابی روش های مختلف آموزشی است. کارآزمایی اخیر مورد - شاهدهی (Case-Control) بوده و به صورت دوسوکور (Double blind study) انجام شده است.

این پژوهش در مورد ۱۲۱ نفر از دانشجو - معلمان تربیت معلم بنت الهدی صدر بوشهر که در سال اول مشغول به تحصیل بودند انجام گرفته است. دانشجویان در دو گروه ۱ (۶۰ نفر = Experimental group) و ۲ (۶۱ نفر = Control group) جای داده شدند.

سعی بر این بود که دو گروه دانشجویان همگن و از فارغ التحصیلان رشته ی علوم انسانی باشند. موضوعی که برای نوشتن انشا انتخاب شده، «درخت» بود. از دانشجویان گروه ۲ خواسته شد که انشا را

در کلاس بنویسند. در مقابل فضای انشانویسی برای دانشجویان گروه ۱ فضای سبز و سایه ی درختان مرکز تربیت معلم در نظر گرفته شد. لازم به ذکر است که دانشجویان از انجام این مطالعه هیچ گونه آگاهی نداشتند.

از دانشجویان خواسته شده بود که انشای خود را در ده سطر بنویسند. زمان در نظر گرفته شده برای هر گروه ۲۰ دقیقه بود. انشاها توسط کارشناس ثالث که از موضوع آگاهی نداشت ارزیابی شد. ملاک های ارزیابی ۴ مورد در نظر گرفته شده بود: ۱- تصویرآفرینی و نشروان ۲- ایجاد خلاقیت در بیان مضمون و محتوا ۳- رابطه ی علت و معلولی ۴- نتیجه گیری. هر یک از موارد از صفر تا ۳+ ارزیابی می شدند. در مجموع، نمره ی کل ۱۲+ بود.

ایراد وارد بر این پژوهش اعمال سلیقه ی کارشناس مصحح می باشد که با توجه به روش تحقیق این خطا را به حداقل رسانده ایم تا در صورت اعمال سلیقه، تمام نوشته ها از بهره ی یکسانی برخوردار باشند. نتیجه ی آزمون بانرم افزار SPSS/PC+ مورد تجزیه و تحلیل رایانه ای قرار گرفت. (صص ۶ و ۷) و با آزمون (t-student test) ارزشیابی شد.

درضمن پس از پایان آزمون، هر یک از دانشجویان پرسش نامه ای را در باره ی انشا پر کردند. (صص ۶ و ۷)

نتایج:

دانشجویانی که برای نوشتن انشا از فضای زیر درختان استفاده



کرده بودند (گروه ۱) نسبت به گروهی که در کلاس (گروه ۲) انشا نوشته بودند، به طور قابل توجهی از میانگین های بالاتری در هر یک از موارد ذکر شده برخوردار بودند. در مورد تصویرآفرینی و نشر روان (EX1) به طور مؤثری میانگین نمره ی دانشجویان در گروه ۱ (۱/۴۸ ± ۰/۵۹) بیشتر از گروه ۲ (۱/۲۴ ± ۰/۴۳) بود که این اختلاف رابطه ی معنی داری داشت (P = ۰/۰۱۴). در مورد ایجاد خلاقیت در بیان مضمون و محتوا (EX2) میانگین گروه ۱ (۱/۹۳ ± ۰/۴۸) بطور معنی داری بیشتر بود. رابطه ی علت و معلولی (EX3) از دیگر مواردی بود که در گروه ۱

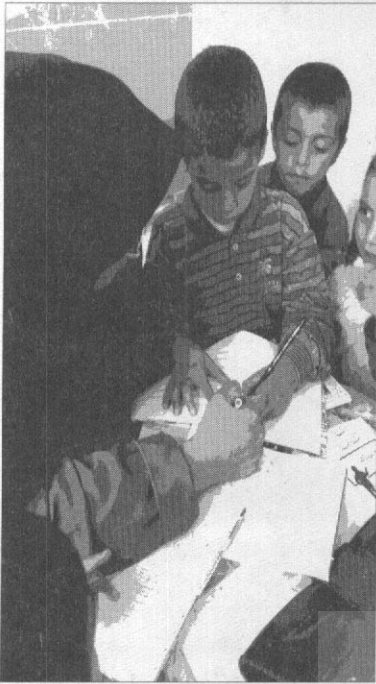
(۱/۸۳ ± ۰/۵۲) در مقایسه با گروه ۲ (۱/۵۷ ± ۰/۴۹) تفاوت فاحشی (P = ۰/۰۰۶) را نشان می داد. میانگین نمره ی دانشجویان گروه ۱ (۱/۶۸ ± ۰/۷۹) در مقایسه با گروه ۲ (۱/۲۹ ± ۰/۴۹) در مورد نتیجه گیری (EX4) نیز دارای اختلاف زیادی (P = 0.02) بود. در پژوهش اخیر P < 0.05 معنی دار در نظر گرفته شده بود. میانگین نمره ی کل (EX5) دانشجویان گروه ۱ (۶/۹۱ ± ۱/۶۷) و دانشجویان گروه ۲ (۵/۶۷ ± ۱/۲۵) نیز بطور قطع تفاوت معنی داری (P = 0.00) را نشان می داد. (صص ۶ و ۷) نتیجه ی پرسش نامه ی ۱۶ سوالی که بیانگر علاقه ی دانشجویان به انشا و اهمیت

این درس از نظر آنان، معلمان و مسئولان آموزشی بود، به صورت جدول زیر می باشد. در ضمن وقتی از دانشجویان سؤال شد که: «آیا تاکنون اتفاق افتاده است که معلمان از ساعت انشا برای جبران سایر دروس عقب افتاده استفاده کنند؟»، ۸۴٪ دانشجویان پاسخ مثبت دادند و نیز هنگامی که از آنان سؤال شد که «برای نوشتن انشا درباره ی «درخت» از کلاس، زیر درختان، دیدن عکس درخت و یا دیدن فیلم درخت، کدام یک را برمی گزینید؟»، ۸۰٪ دانشجویان ترجیح می دادند زیر درخت انشا را بنویسند. ۱۷٪ راغب به دیدن فیلم درخت بودند، ۲٪ عکس درخت را انتخاب کرده بودند و فقط ۱٪ دانشجویان کلاس را می پسندیدند.

بحث و بررسی:

انشا را اگر به مثابه ی جریان ذهن و روح سیال دانش آموز در نظر بگیریم می بینیم که بی توجهی به این درس چه خسران عظیمی دربردارد و تاکنون نیز چه زیان عظیمی در این راستا متحمل شده ایم. زیرا «بی هویتی فرهنگی» هنوز به عنوان یک معضل عظیم و اساسی در جوامع جهان سوم مطرح می باشد. به خصوص نسل جوان بیشتر از سایر قشرهای جامعه در معرض خطر هستند. اگر جوانان یک جامعه نیاموزند که چگونه ذهن خود را به جریان درآورند و روح سیال خود را به تکاپو وادارند، حتی

شرح	متوسط تا خیلی کم	متوسط تا خیلی زیاد
میزان علاقه به درس انشا		۷۷٪
اهمیت ساعت انشا از نظر دانشجویان		۹۲٪
جذابیت و کشش ساعت انشا		۷۷٪
نقش آموزشی معلم انشا		۹۴٪
اهتمام مسئولان و برنامه ریزان آموزشی به انشا	۹۵٪	
میزان علاقه به موضوعات انشا درباره ی طبیعت		۸۱٪
میزان علاقه به موضوعات درباره ی مسایل درونی انسان	۷۹٪	
میزان علاقه به انشای توصیفی		۷۸٪
میزان علاقه به موضوعاتی مانند یک بیت شعر یا یک مناسبت خاص	۹۱٪	
میزان علاقه به موضوعات اختیاری		۸۱٪
میزان علاقه به انشای توضیحی	۸۰٪	
میزان علاقه به انشای تحلیلی	۸۹٪	
میزان علاقه به استفاده از وسایل کمک آموزشی، فیلم، تصویر، طبیعت و ...		۷۷٪
میزان رضایت دانشجویان از نمره ی انشا	۹۱٪	



می شویم که روش آموزشی ما عقیم بوده است و باز به بحث کارشناسی دیگری روی می آوریم، بدون آن که به رویکرد روان شناسانه حتی نیم نگاهی بیندازیم.

در این پژوهش دانشجویمان به موضوعات «باز» علاقه مندی بسیار بیشتری نشان دادند. زیرا دانش آموزان یا دانشجویمان در موضوعات «باز» از قوه‌ی خلاقیت و تصویرآفرینی بسیار بهتری برخوردارند، تا در مقایسه با موضوعات بسته. مثلاً هنگامی که به دانش آموز می گوئیم از «مہتاب» یا «جاده» بنویسد، بسیار بهتر از هنگامی می نویسد که از او می خواهیم درباره‌ی یک جمله، یک بیت شعر یا یک مناسبت بنویسد. زیرا در حالت اول آنچه می خواهد بنویسد به صورت خودجوش در ذهن او شکل می بندد و آنچه را که او بیشتر احساس نیاز بدان می کند و بهتر می تواند در دل کند باروحش در میان می نهد. در حالی که در حالت دوم آنچه ما می خواهیم، او مجبور است بنویسد. یعنی؛ در واقع خود را بر دانش آموز تحمیل کرده ایم. از او سلب آزادی کرده ایم و او مجبور است از صداقت کلام فاصله بگیرد و ذهنش مجبور است مطابق میل ما به جریان بیفتد و چون این یک جریان خود جوش نیست و معلوم نیست که مطابق با نیاز روحی دانش آموز باشد یا نباشد، پایدار نمی ماند و در بطن خود یک انشاگریزی را برای او به ارمغان می آورد که گویای این مطلب نتایج همین پژوهش است.

این پژوهش روشن کرد که شاید یکی از مؤثرترین عواملی که می تواند در اعتلای انشانویسی دانش آموزان یا دانشجو - معلمان مفید باشد، استفاده از وسایل کمک آموزشی است؛ که در واقع یک نوع «فضاسازی» است. هنگامی که دانش آموز در فضای مطلوب ذهنی و روحی درباره‌ی موضوعی خاص قرار می گیرد بهتر و بیشتر دست

اگر به مدارج بالای علمی نیز دست یابند، بی شک سرنوشت غم انگیزی در انتظار آنان خواهد بود و این چیزی است که در کشورهای جهان سوم به وفور می توان آن را مشاهده کرد.

از آن جا که اغلب دروس، سیستم ذهنی «بسته ای» دارند و دانش آموز یا دانشجو «چارچوب» را یاد می گیرد، انشا به عنوان یک سیستم ذهنی «باز» می تواند، زیباترین آموزنده‌ی «آزادی» به دانش آموز باشد، تا با جریان فعال ذهن، دانش آموز از تلفیق آن دو «عدالت» را که همانا عظیم ترین دست آورد متعالی ترین ادیان آسمانی بوده است، به خوبی و نیکی دریابد و آن را پیشه‌ی خود سازد.

پس اگر ریشه‌ی ای و عمیق، موضوع را کنکاش کنیم، به خوبی درمی یابیم که ساعت انشا از چه ارج و مرتبتی برخوردار است. از همین رو درصدد برآمدیم تا انشاگریزی دانش آموزان را علیرغم میل باطنی آنان که به این درس علاقه دارند، بررسی کنیم.

در این پژوهش عدم اهتمام مسؤولان و برنامه ریزان آموزشی و جدی نگرفتن این درس از جانب آنان، استفاده‌های مکرر از این ساعت برای جبران دروس عقب افتاده، عدم استفاده از وسایل کمک آموزشی و نیز انتخاب موضوعات تحمیلی انشا، مهم ترین عوامل انشاگریزی معرفی شدند. خوب می دانیم که در امر آموزش پیوسته دو رویکرد باید مورد توجه باشد.

یکی رویکرد «روان شناسانه» و دیگری رویکرد «کارشناسانه». اما، متأسفانه اغلب برنامه‌های آموزشی همان قدر که به رویکرد کارشناسانه توجه دارند از رویکرد روان شناسانه که می تواند ایجاد انگیزش و شور و شوق و اشتیاق در دانشجویمان یا دانش آموزان کند، غافلند. و همین است که پس از چندین سال تجربه، تازه متوجه

به خلاقیت می زند. گویای این مدعا نتایج تحقیق اخیر است که به طور بارزی دانشجو - معلمان که درباره‌ی «درخت» زیر درختان انشای خود را نوشته بودند از میانگین های معنی دار بالاتری نسبت به آنانی که در کلاس نوشته بودند، برخوردار بودند. پس به عنوان ماحصل این پژوهش پیشنهادهای زیر را در جهت اعتلای امر آموزش در انشانویسی مطرح می کنیم:

- ۱- توجه هرچه بیشتر مسؤولان و برنامه ریزان آموزشی به ساعت انشا.
- ۲- عدم استفاده‌ی مکرر از ساعت انشا برای جبران دروس عقب افتاده.
- ۳- عدم استفاده از موضوعات تحمیلی و استفاده هرچه بیشتر از موضوعاتی که درباره‌ی طبیعت باشند یا اختیاری باشند.
- ۴- استفاده از وسایل کمک آموزشی، تصاویر، فیلم و ...
- ۵- ایجاد فضای مناسب روحی درباره‌ی موضوع انشا.
- ۶- استفاده هرچه بیشتر از فضای طبیعی در مقایسه با فضای بسته‌ی کلاس.